

به‌هرحال، اگر تبار فکری الیاس را در متن جریان‌های نظری جمهوری وایمار بجوییم، در ارتباطی با برادران وبر، زیمل، ویلن، فروید، زومبارت، لوکاج، یاسپرس، و آرنست به‌نظر می‌رسد، خاستگاه فکری الیاس چیزی جز *wissenssoziologie* آلمانی نیست؛ الیاس این سنت را درون مسیری از تحقیق تجربی به‌پیش می‌برد. رویکردهای به‌ظاهر متباین نظری در آثار الیاس به «سنتری عملی» می‌رسد؛ مدلی آزمون‌پذیر از وابستگی‌های متقابل بشری. پیرو چنین برنامه پژوهشی درخشانی الیاس، که وارث مسئله‌های پژوهشی اذهان فرهیخته پیش‌گفته بود، موفق شد آنچه آن‌ها طرح کرده بودند یک‌جا در طرح تحقیق خود به سامانی نیرومند برساند: مباحثی پیرامون ول‌خرجی متظاهران نخبگان، تحولی که در انحصار وسایل خشونت پیدا شده بود، عقلانی‌شدن، الگوهای مساوات اجتماعی، رقابت، تمایزیابی و ادغام اجتماعی، انگاره درونی‌سازی آنچه بیرونی است، و گسترش روحیه‌ای مدنی که در کار مراقبت همیشگی از خود است. الیاس به تدقیق مفهومی مباحث پیش‌گفته نمی‌پرداخت تا بخواهد وجوه تفاوت تحلیل خود را با تحلیل همین مفاهیم توسط دیگرانی در سنت‌های فکری رقیب نشان بدهد. کار او درعوض سنتری درخشان از مفاهیم و داده‌های تجربی در «زمین» تاریخ بود (Kilminster and Mennell 2011: 20).

۴,۱ رویکرد جامعه‌شناسی الیاس

در مجموع، خطوط اصلی سنخ‌نمای کار جامعه‌شناختی الیاس را در مقایسه با دیگر جامعه‌شناسان احتمالاً می‌توان این‌گونه تصویر کرد:

الف) با این‌که جامعه‌شناسی که برای مدتی مدید در حاشیه اساتید کرسی‌دار غریبه‌ای دانشگاهی باقی ماند، الیاس فرصتی یافت تا خوب یا بد فارغ از الزامات نهاد آکادمی علوم اجتماعی آن‌طور که خود می‌خواهد آزادانه بیندیشد. ساختار غریب آثار الیاس نشانه‌ای از این آزادی است. خواننده در آثار الیاس با مرور ادبیات تحقیق و مقدمه نظری روبه‌رو نمی‌شود. الیاس درعوض یک‌راست به قلب مسئله و موضوع پژوهشش می‌زند؛ چه نشانه‌های فرهنگی، نهادهای علمی، و اتوپیا‌های اجتماعی و چه موتسارت، زمان، خشونت، ورزش، کار، سال‌خوردگی، و مرگ (ibid.: 22).

ب) الیاس، مخصوصاً در آخرین آثارش به‌ندرت به آثار دیگران ارجاع می‌دهد. ارجاعی هم اگر هست، فی‌المثل به کتابی قدیم است با موضوعی عجیب و باز به سبکی که الیاس آن کتاب را می‌خواند! خوب است بدانیم که کسی نمی‌تواند الیاس را به غفلت از منابع «جدید» و توجه بیش از حد به منابع «قدیم» متهم کند؛ چه، او در برابر رویه‌ای که به

فتیشیسم ما با منابع جدید می‌انجامد، احتمالاً از بهترین صورت‌بندی مسئله‌ای معتابه در کتابی قدیم در مقایسه با کتابی «a la mode» دفاع خواهد کرد (ibid.).

ج) سبک نگارشی (écriture) الیاس، چنان‌که ولف لپنی به‌درستی برشمرده، «نوشتاری فارغ از ژارگون‌هاست، تمرینی دقیق در مشاهده‌ای جامعه‌شناختی است، و ترکیبی تمام‌عیار از مباحث نظری و ارجاعات عجیب و غریب به حتی کوچک‌ترین داده‌های تجربی است». الیاس با لحنی آرام و به‌شیوه‌ای درباره‌ی پروسه‌های اجتماعی می‌نویسد که اثری از «ازخودبیگانگی» و «متافیزیکی ایستا» در نوشتارش باقی نمی‌ماند. او از «نهادهای حزبی» به‌جای «امر سیاسی»، «کارورزان اقتصادی» به‌جای «حوزه اقتصادی»، و «کارشناسان اجتماعی کنترل خشونت» به‌جای «آپاراتوس‌های دولتی سرکوب» سخن می‌گوید (Lepenies 1978: 15).

د) با غور در آثار الیاس، درمی‌یابیم که او کم‌تر از مباحث منطقی معمول در جهت اثبات ادله‌ای استفاده می‌کند؛ در عوض، الیاس (مخصوصاً در آخرین کتاب‌ها و مقاله‌ها، و البته در بازنگری‌اش از فرایند متمدن‌شدن) خواننده را به تأمل در مقوله‌ها و فرضیات پایه‌ای هر نوشتاری از این نوع وامی‌دارد. خواننده در فرایند متمدن‌شدن، درست همان‌طور که با مدل نظری و مفاد تجربی یکه‌ای روبه‌رو می‌شود، تجسم عینی نوعی اقلان تجربی محکم را هم می‌بیند که در تحلیل آخر نمی‌توان آن را «عقلانی» خواند. خواننده فرایند متمدن‌شدن که به مشاهده تصویرپردازی زنده الیاس از قضای حاجت، تُف‌کردن، باد ول‌دادن، شکنجه، سوزاندن گریه‌ها، و مواردی از این دست نشسته، از خلال این تجربه‌ها که محرک‌انواعی از احساس شرم، اشمئزاز، و حساسیت در ماست - تأثیراتی برآمده از استانداردهای امروزی جامعه بشری - به مظنه‌ای در سنجش «توسعه» فرهنگی جامعه در طول تاریخ دست می‌یابد. واکنش ما از روی شرم و خجلت و آشفتگی به نوشتار الیاس شاهدهی از همان تغییر اجتماعی و فرهنگی است که او در حال گزارش تاریخی آن است (Kilminster and Mennell 2011: 22). از این ویژگی‌های آثار الیاس باید ردی دقیق و منحصر به او در ترجمه کتاب‌ها و مقالاتش به هر زبانی باقی بماند.

۲. بررسی انتقادی ترجمه فارسی فرایند متمدن‌شدن

۱،۲ درباره ترجمه کتاب

باری، ترجمه فارسی فرایند متمدن‌شدن که مترجم فارسی، غلامرضا خدیوی، آن را به عنوان اصلی درباب فرایند تمدن و عنوان فرعی بررسی‌هایی در تکوین جامعه‌شناختی و

روان‌شناختی آن برگرداننده، در سال ۱۳۹۷ در دویست نسخه به‌همت انتشارت جامعه‌شناسان به چاپ دوم رسیده است. گفتنی آن‌که ترجمه فارسی اثر تنها جلد دوم را، یعنی *تمدن و صورت‌بندی دولت* یا آن‌گونه‌که مترجم برگرداننده، تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی، طرحی برای یک نظریه تمدن، شامل می‌شود. به‌نظر می‌رسد، هنوز از بزرگ‌ترین اثر الیاس به زبان فارسی ترجمه‌ای ارزنده در دست نیست؛ چه با بررسی مقابله‌ای ترجمه فارسی درمی‌یابیم که روش مترجم در ترجمه، قواعد نگارشی و صوری، یک‌روندی سیاق ترجمه، نیز نحوه واژه - معادل‌گزینی، اصطلاح‌شناسی، و مرجع‌شناسی همه ایراد اساسی دارد.

۲،۲ روش مترجم در برگردان *فرایند متمدن شدن*

چنان‌که در مقدمه مترجم آمده است، غلامرضا خدیوی، با توجه به حجم کتاب و مشکلات نشر، ابتدا جلد دوم را که به شکل‌گیری دولت و نظام مالیات‌ها و نحوه انحصار آن می‌پردازد ترجمه کرده است و ترجمه جلد اول را، که شامل منابع تاریخی الگوهای ذهنی و رفتاری و سیر تطور این الگوها ضمن تحولات کلان اجتماعی است، به آینده موکول می‌کند. مترجم مدعی است که این شیوه با تجربه ترجمه انگلیسی کتاب هم‌خوان است. این ادعا اما با واقعیت نمی‌خواند. ترجمه جلد اول، *تاریخ آداب* (*The History of Manners*)، از اصل آلمانی کتاب که در ۱۹۳۹ به‌چاپ رسیده و در ۱۹۶۸ موردبازبینی نویسنده قرار گرفته، در ۱۹۷۸، و ترجمه جلد دوم، *تمدن و صورت‌بندی دولت* (*State Formation and Civilization*)، از اصل آلمانی کتاب که در ۱۹۳۹ به‌چاپ رسیده و دو بار در ۱۹۶۹ و ۱۹۷۶ موردبازبینی نویسنده قرار گرفته در ۱۹۸۲ صورت گرفته است.

مترجم مدعی است که از روی نسخه اصلی کتاب، چاپ هفتم قطع جیبی انتشارات «سورکامپ»، در سال ۱۹۸۰ [حرف‌نویسی درست این نام زورکامپ (Suhrkamp) است] ترجمه کرده و به‌منظور اطمینان از صحت ترجمه به ترجمه «گروهی» انگلیسی هم رجوع کرده است [ترجمه *فرایند متمدن شدن* (*Über den Prozess der Zivilisation*) به انگلیسی (*The Civilizing Process*)، کار یک مترجم، ادmond جفکات (Edmund Jephcott)، و ویرایش گروهی اریک دانینگ (Eric Dunning) و یوهان گودزبلوم (Johan Goudsblom) و استیفن مینل (Stephen Mennell) است]. از بررسی مقابله‌ای ترجمه فارسی با ترجمه انگلیسی به‌نظر می‌رسد، مترجم تنها به همین ترجمه رجوع کرده است و ادعای ترجمه از متن اصلی آلمانی پذیرفتنی نیست؛ چه، ترجمه فارسی طابق النعل بالنعل از ساختار و جمله‌بندی و حتی واژه -

معادل‌گزینی ترجمه انگلیسی پیروی می‌کند. آن‌چه از مترجم در مقدمه ترجمه‌اش می‌خوانیم، از نظر توضیح روش کار، براننده ترجمه اثری کلاسیک نیست. عنوان آلمانی کتاب، *Über den Prozess der Zivilisation*، در هر سه باری که در مقدمه مترجم آمده اشتباه است و آن‌جاکه مترجم به‌مناسبت ارائه شواهدی مبنی بر سختی کار ترجمه مستقیم از زبان آلمانی از یادداشت ویراستاران ترجمه انگلیسی نقل قول می‌کند، چیزی دست‌گیر خواننده نخواهد شد. ویراستاران ترجمه انگلیسی می‌گویند:

Translation is an imperfect art, and translating Norbert Elias's German into English poses peculiar problems. They arise mainly from his attempt always to write in a *processual* way, minimising the use of static concepts, and also to avoid referring to the 'individual' in the singular and as something separate from other people-what Elias was later to call the *homo clausus* image, prevalent in western thought.

ترجمه: ترجمه اثری اصولاً ناقص است؛ اما ترجمه کتاب آلمانی نوربرت الیاس به انگلیسی از مشکلات ویژه و خاص دیگری برخوردار است. این مشکلات از آن‌جا ناشی می‌شود که وی می‌کوشد به‌نحوی فرایندی بنویسد و استفاده از مفاهیم ایستا را به حداقل برساند و از مراجعه به مفاهیمی مانند فرد در حالت مفرد آن و به‌مثابه چیزی مجزا و مستقل از سایر افراد - یعنی آن‌چه که الیاس آن را *homo clausus* (انسان قائم به خویشتن؛ انسان خودبسنده) می‌نامد و در تفکر غرب کاملاً رایج و متداول است به‌شدت پرهیز کند.

ترجمه پیش‌نهادی: ترجمه هنری نیمه‌تمام است و ترجمه زبان آلمانی نوربرت الیاس به انگلیسی که دیگر موجب معماهایی عجیب و غریب است. مسائلی که پیش می‌آید عمدتاً به‌دلیل تلاش همیشگی او برای نوشتن به شیوه‌ای در - جریان است، نوعی کمینه‌گری در کاربرد مفاهیم ایستا، نیز اجتناب از طرح مفهوم «فرد» جزئی و چیزی بی‌نسبت با دیگر انسان‌ها - آن‌چه الیاس بعداً آن را تصویر انسان بسته نامید، تصویری فراوان‌یاب در تفکر غربی.

مترجم بدون در نظر گرفتن ریزه‌کاری‌های دستوری، آن‌چه را از کلیت یک متن در این‌جا یک بند درمی‌یابد، عبارت‌گردانی (*paraphrase*) می‌کند.

از میان شارحین الیاس، مترجم تنها به نوشته هرمان کورته (Hermann Korte) اشاره کرده است؛ آن‌هم در جهت تأیید ایده‌اش مبنی بر خویشتن‌داری و کنترل عاطفی الیاس که گرچه مادر الیاس، سوفی الیاس، در آشویتس کشته شد و لابد باید از اثر این فاجعه چیزی در متن الیاس بنشیند، او خوددارتر از این حرف‌ها بود که علم در ایدئولوژی بیچند! نشانی

کتاب کورته در مقدمه مترجم معشوش است و اگر ملاک کتاب هرمان کورته با عنوان *Norbert Elias - Shaiyeste'nan E'alam Bshrdost* (*Uber Norbert Elias: Das Werden eines Menschenwissenschaftlers; On Norbert Elias-Becoming a Human Scientist*) باشد، ما با شناسه ارجاع مترجم آن قول کورته را نیافتیم. مترجم عنوان فرعی جلد اول و دوم را به ترتیب به «دگرگونی‌های رفتاری در قشر برتر عرفی (دنیوی) در غرب» و «دگرگونی‌های اجتماعی؛ طرحی برای یک نظریه تمدن» برگردانده که باتوجه به اصل عناوین درست نیست. عنوان فرعی جلد اول، *Changes in the Behaviour of the Secular Upper Class in the West*، را بهتر است به *تغییرات رفتاری طبقات بالاتر سکولار در غرب* و عنوان فرعی جلد دوم، *State Formation and Civilization*، را به *تمدن و صورت‌بندی دولت* برگرداند. در ترجمه متون کلاسیک، مترجم مجاز به دخل و تصرف نیست. آنچه مترجم از وجه مفاهیم و عناوین، تفاوت در تاریخ اجتماعی شکل‌گیری، و کاربرد مفاهیم آورده درست و منطقی است، لیکن کافی نیست، وافی به مقصود ترجمه متنی با چنین بار تاریخی سترگ نیست. می‌دانیم که *herr* (سرور؛ ارباب؛ lord)، *ritter* (سلحشور؛ شوالیه؛ نجیب‌زاده؛ vassal)، *herzog* (دوک؛ گنت؛ fief)، و واژه‌های شاخه‌گرفته (derivatives) از این لغات، *herrschaft* (تسلط؛ قدرت؛ حکومت؛ سلطنت)، *herrschen* (حکومت‌کردن؛ تسلط‌داشتن)، *herrscher* (حاکم)، *herrscherhaus* (سلسله)، *herrscherin* (حکمران زن)، *herzogin* (گنتس؛ دوشیس)، و *herzogtum* (دوک‌نشین؛ قلمرو دوک) در تاریخ فرهنگی اسلام و ایران هم‌خوان و برابری ندارد؛ در صورت ترجمه اثری با چنین بار تاریخی چه باید کرد؟ بهتر است معادل‌های فارسی انتخابی را برشمرد و بعد از بیان دلایل انتخاب آن‌ها، با رجوع به فهرست برابری کتاب‌های تاریخی و اجتماعی ترجمه‌شده به فارسی، در پانوشت صورت آلمانی و معادل فارسی و انگلیسی و فرانسه آن را آورد. مترجم نه تنها این کار اساسی را انجام نداده که از ارائه فهرست برابری آلمانی، انگلیسی، فرانسه، و فارسی در انتهای کتاب هم خودداری کرده است. ترجمه کتاب فهرست اعلام، کتاب‌ها، نام‌ها، و جای‌ها ندارد. به‌جز چند پانوشت از مترجم که در مجموع به چهارده سطر مختصر می‌رسد، ترجمه این اثر اصیل تاریخی فاقد هرگونه توضیح و افزوده از جهت رفع ابهام یا گرهی از متن است.

یکی از ستیزهای همیشگی برسر طرح پژوهشی الیاس به این دقیقه بازمی‌گردد که برخی او را صاحب نظریه‌ای محوری در پژوهش‌های تاریخی می‌دانند؛ نظریه‌ای که با مطالعه تجربی «هر» تاریخی می‌خواند و خصالتی تبیینی (explanative) دارد (Dunning and Mennell 2004: 27). برخی دیگر که به الگوی عام جامعه‌شناسی رابطه‌ای اعتقادی ندارند،

در عوض، طرح جامعه‌شناختی‌الیاس را تنها در موقعیت (context) آن هم با تعیین دقیق مختصات زمانی و مکانی کارآ و مفید می‌دانند. از این نظر، جامعه‌شناسی‌الیاس جامعه‌شناسی تاریخی فرایند متمدن‌شدن «در» فرانسه و نه هیچ جای دیگر است (Mouzeil 1993: 243; Coody 2003: 69). به این ترتیب در ترجمه فرایند متمدن‌شدن به زبان فارسی و در واقع به هر زبانی، راهی نیست جز اندیشیدن به تاریخ مفاهیم تخصصی کتاب و برگزیدن معادل‌هایی که در عین نمایاندن مغایرت‌های دو تاریخ مانع دیدن مشابتهای آن‌ها هم نباشد. اگر بپذیریم که جوامع با وجود تفاوت‌های کمی تجانس کیفی دارند، یعنی اگر با وجود تفاوت‌های بسیار جوامع را «از لحاظ کارکردهای بنیادی مانند همکاری برای تولید اقتصاد و هم‌ستیزی بر سر توزیع ثروت و ظهور گروه‌های تخصصی و طبقه‌های اقتصادی و برقراری نهادهایی چون نهادهای حکومتی و آموزشی و دینی و سیر از سادگی به پیچیدگی» همانند یافتیم، آن‌گاه ترجمه فارسی فرایند متمدن‌شدن خود دقیقاً نوعی جامعه‌شناسی تطبیقی فرهنگ است.

مترجم، بی‌هیچ توضیحی، از ترجمه دیباچه (preface) مفصل نویسنده گذشته است. اگر از ادله او مبنی بر چشم‌پوشی از ترجمه جلد اول بگذریم، این‌که دیباچه و پی‌نوشت (postscript) جامع - پی‌نوشتی که الیاس آن را در ۱۹۶۸ نزدیک به سی سال بعد از چاپ اول کتاب، نوشته و حاوی تجدیدنظر او در مفاهیمی است که در دیباچه و متن اصلی آمده، و از جهت فهم مضامین کتاب و سیر تطور آرای نویسنده بس مهم است و این‌که پیوست‌ها (appendices) و یادداشت‌های آخر فصول نویسنده، که بالغ بر ۳۵ صفحه می‌شود، همگی ترجمه نشده‌اند، منطقی به نظر نمی‌رسد و برازنده ترجمه اثری کلاسیک نیست. به این ترتیب، می‌توان گفت که ترجمه فارسی بزرگ‌ترین اثر الیاس ناقص است.

۳,۲ درباره دیباچه

دیباچه مفصل الیاس بر فرایند متمدن‌شدن حاوی مضامین اصلی طرح او و از جهت دریافت نظام‌نامه و تأکیدات و پرسش‌های راه‌بردی کتاب بسیار اساسی است. در دیباچه الیاس می‌پرسد: چگونه این تغییرات فرایند متمدن‌شدن غرب عملاً اتفاق افتاد؟ این فرایند متمدن‌شدن مبتنی بر چه الگوهایی بود؟ کدام دلایل یا نیروهای محرک عامل چنین تغییری بود؟ الیاس در دیباچه از تفاوت‌های فرایند متمدن‌شدن در آلمان و فرانسه می‌گوید؛ از این‌که kultur آلمانی تا چه اندازه با civilisation فرانسوی بعد از قرون وسطی و نه تنها در

سطح فرهنگ رسمی که در سطوح فرهنگ مادی و فیزیکی نیز متفاوت بوده است. او پرسش از چنین مسائلی بغرنج را پرمخاطره و مشکوک می‌داند؛ پرسش‌هایی که تنها از طریق انتزاع یا گمانه‌زنی صرف، آن هم وقتی عادت‌واره‌های جسمانی، محل پرسش است و این عادت‌واره‌ها در چهارچوب نظم اجتماعی مشخصی شکل می‌گیرد و کار می‌کند، به جایی نمی‌رسد. الیاس معتقد است که واکاوی اسناد تجربه تاریخی و از این طریق شناسایی مسائل اجتماعی یگانه راه درست پژوهش تاریخی اجتماعی است (Elias 2000: 10).

الیاس احساس شرم و خجالت و نازک‌طبعی و انزجار را، که در بستری از تحولات عظیم اجتماعی شکل می‌گیرد، آن مرحله آخر نرم‌افزاری تغییر در فرایند متمدن شدن می‌داند. به نظر می‌رسد، در این مرحله است که با نرم‌تر شدن مرزهای بیرون و درون، توأم با توسعه قوای شناختی، راهی از برای شکل‌گیری سوژه مدرن گشوده خواهد شد. عادت‌واره (habitus) الیاسی هم بر ساخت بدنی، هم توان ذهنی، و هم البته بر منش و مخصوصاً آنچه دلالت دارد که در فلسفه اسلامی «ملکه» می‌نامند؛ عادت‌واره الیاسی هم جامعه‌زاد (sociogenic) و هم البته روان‌زاد (psychogenic) است. الیاس موکداً می‌گوید که به موازات تغییر در معیارها و سنجه‌های آنچه جامعه از فرد می‌خواهد و مانع می‌شود آستانه دل‌آزردگی و ترس و اضطراب هم تغییر می‌کند و به این ترتیب، پرسش از ترس‌ها و رنجش‌ها یا همان تجربه اضطراب (جایگاه) اجتماعی شکل می‌گیرد؛ پرسشی که با طرح آن قدم در وادی پژوهش تاریخی فرایند متمدن شدن می‌نهیم (ibid.: 11). از نظر الیاس، آن اختلاف سطحی که ما، چون ناظر رفتارهای اجتماعی خود و دیگری، بین رفتار «نپخته» و «جافتاده» موجودات اجتماعی می‌بینیم، در نتیجه «زمان» ورود افراد به گذرگاه تمدنی پیش گفته است. پرسش از نحوه رشد روان‌زاد سوژه اجتماعی تنها از مجرای واکاوی شرایط امکان تجربه اجتماعی عبور از آن گذرگاه است که بامعنی و البته وافی به مقصود پژوهش تاریخی اجتماعی است؛ همین است که الیاس از قواعد بنیادی جامعه‌زاد سوژه‌ها می‌پرسد (ibid.).

در ادامه مباحث دیباچه، الیاس به شرایط شکل‌گیری آنچه می‌توان اولین ظهور «دولت» نامید می‌پردازد؛ این که چه مجموعه‌ای از روابط متقابل اجتماعی اولاً زمینه آن چه نظام فئودالی می‌نامیم و ثانیاً، سازوکارهای فئودالی شدن را فراهم آورده است؛ پرسش از نحوه صورت‌بندی دولت متأخر بر بررسی شرایط اجتماعی شکل‌گیری نظام فئودالی است (ibid.: 12-13).

وقتی از پویش و دگرگونی وابستگی‌های متقابل و چندسویه نیروهای اجتماعی می‌پرسیم، احتمالاً می‌دانیم که پدیده تاریخی را باید محصولی رفعی از نگره‌های انسانی و نهادهای اجتماعی در نظر آوریم. برسیدن یکی در تفریق از دیگری چیزی جز نوعی پژوهش تاریخی خام نیست. باور به نسبی‌گرایی تاریخی در نتیجه نوعی دریافت بی‌حرکت (motionless) و فارغ از نگره «در - گردش - و - پرورش» سوژه‌های تاریخی شکل گرفته است؛ نوعی تلقی خام که بر مبنای درکی از تاریخ طبیعی نتیجه‌ای جز انتزاعی مصنوع نخواهد داشت. به جای تحویل پرسش‌های تاریخی به نوعی نسبی‌گرایی خام که به چیزی جز پاک‌کردن صورت مسئله نمی‌انجامد، باید آن‌طور که الیاس طرح می‌کند، از سامان بنیادی یا می‌توان گفت از زیرین دگرگشت (transformation) اجتماعی پرسید و از قواعد (laws) حاکم بر تغییرات و صورت‌بندی ساختارهای تاریخی (ibid.: 13-14).

آنچه بر شمردیم اهم مسائلی است که الیاس در دیباچه مفصلش بر فرایند متمدن‌شدن طرح می‌کند و البته در پی‌نوشت نیز در مفاهیم اساسی دیباچه، «قانون» و «قواعد» و «سازوکارهای تغییر اجتماعی»، بعد از حدوداً سی سال می‌پیچد و با وجودی که هر دو بخش از نظر دست‌یابی به سیر تطور آرای الیاس بس مهم و راه‌گشا هستند به فارسی ترجمه نشده‌اند.

۲،۴ قواعد نگارشی، صوری، و کیفیت چاپ و نشر

ترجمه فارسی فرایند متمدن‌شدن نمونه‌ای تمام‌عیار از اشتباهات نگارشی و ویرایشی است. نه تنها در هر صفحه که در هر سطر از این کتاب، خواننده با مجموعه‌ای از اشتباهات نگارشی و ویرایشی روبه‌روست. با این همه اشتباهات، «گروه ویراستاری انتشارات جامعه‌شناسان» چرا و چه‌طور ترجمه را به چاپ دوم رسانده است؟ نام مکان‌ها و دوره‌ها و اصطلاحات آلمانی، فرانسه، و لاتین که به‌وفور در متن موج می‌زنند، در اغلب موارد بی‌هیچ انضباطی در ترجمه فارسی به حال خود رها شده‌اند. اصل آلمانی و فرانسه و لاتین اصطلاحات، حتی نام اشخاص و جای‌ها، در همان متن ترجمه بعد از معادل فارسی، در بعضی موارد بدون نشانه‌ای از پراتز یا گیومه آمده‌اند. در بعضی از موارد، عین اصطلاح مخصوصاً فرانسه و لاتین، بدون ترجمه یا حرف‌نگاری (transliteration)، در متن ترجمه آمده است. فهرست عناوین اصلی و فرعی به هم‌ریخته و گاهی متناسب با اصل کتاب فرایند متمدن‌شدن نیست. معلوم نیست چرا اصطلاحی در

ترجمه فارسی، همراه با اصل اصطلاحات و نام‌ها، در گیومه یا پراانتز یا بین خط پیوند (hyphen) آمده است، هیچ نظمی از این نظر در ترجمه نیست. رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی و نیز طراحی جلد و تصویر پشت و روی ترجمه فارسی *فرایند متملدن شدن* در شأن ترجمه اثری کلاسیک نیست.

۵,۲ سیاق ترجمه و نحوه واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی

بهتر است بررسی کیفیت ترجمه فارسی *فرایند متملدن شدن* را از عنوان آن شروع کنیم. عنوان اصلی کتاب به آلمانی چنین است: *Über den Prozess der Zivilisation – Soziogenetische und Psychogenetische Untersuchungen* که در ترجمه انگلیسی به صورت *The Civilizing Process – Sociogenetic and Psychogenetic Investigations* و در دو ترجمه فرانسه به صورت *La Civilisation des Moeurs* و *La Dynamique de l'Occident* آمده است. مترجم فارسی این عنوان را به «درباب فرایند تمدن - بررسی‌هایی در تکوین جامعه‌شناختی و روان‌شناختی آن» برگردانده است که به نظر درست نیست؛ چه اگر ملاک عنوان آلمانی هم باشد، بهتر است *uber* را که در این جا در مقوله دستوری حرف اضافه و به معنای «درباره» و «راجع به» آمده است و در زبان انگلیسی با همین کارکرد به *on* ترجمه می‌شود (چون ترجمه *Über Gewissheit* ویتگنشتاین به *On Certainty* و *درباب یقین انگلیسی و فارسی*)، به صورت ترجمه انگلیسی برگرداند تا از این حالت نامأنوس درآید. در ترجمه انگلیسی، به منظور پرهیز از ترجمه‌ای زیاده‌خشک و تحت‌اللفظی، به جای پیروی از ساختار هم‌نشینی چند حرف اضافه و حرف تعریف فاعلی و حالت ملکی و صورت جمع زبان آلمانی، *zivilisation* را به *civilising* برگردانده، ترکیبی خورند وضعیت دستوری و نوشتاری زبان انگلیسی به دست داده‌اند. از این نظر، *فرایند متملدن شدن* عنوانی مأنوس و در نتیجه بهتر است. منظور از *soziogenetische* و *psychogenetische* و معادل‌های انگلیسی این اصطلاحات، *sociogenetic* و *psychogenetic* «شناخت» نیست که در معادل‌های برگزیده مترجم به صورت «جامعه‌شناختی» و «روان‌شناختی» درآمده است؛ هرچند این اصطلاحات با افزوده «تکوین» همراه شده است، باید رساننده معنا باشد. چرا این همه پیچ‌وتاب؟ *sociogenetic* صفت پویه‌شناسی اجتماعی (*sociodynamics*) جامعه‌زادی (*sociogeny*) است؛ بهتر است این صفت را به جامعه‌زاد برگرداند. *psychogenetic* نیز صفت روان‌پویه‌شناسی (*psychodynamics*) فرایند روان‌پیدایشی (*psychogenesis*) است؛ بهتر است این صفت را

هم، حالا با ملاحظه، به روان‌زاد برگرداند. در نتیجه، ترجمه پیش‌نهادی ما چنین است: فرایند متمدن‌شدن - پژوهش‌هایی در جامعه‌زادی و روان‌زادی آن.

به فهرست مطالب کتاب می‌رسیم. اولین عنوان در ترجمه فارسی «درباب تکوین جامعه‌ی تمدن غربی» است. معلوم نیست این عنوان ترجمه کدام عنوان از فهرست آلمانی یا انگلیسی کتاب است. عنوان جلد دوم ترجمه انگلیسی، *State Formation and Civilization* و عنوان سرآغاز این جلد یا همان بخش سوم کتاب، *Feudalization and State Formation* است. این هر دو عنوان به فارسی ترجمه نشده است. به بررسی ترجمه ادامه فهرست، از ترجمه انگلیسی، می‌پردازیم:

Survey of Courtly Society;

ترجمه: نگاهی به جامعه درباری؛

ترجمه پیش‌نهادی: گزارشی از جامعه دربار.

توضیح: survey به معنای بررسی، پژوهش، بازجست، گزارش بررسی و پرس‌وجو، و در حالت فعل، وارسیدن و بازجستن، چرا باید به «نگاهی» ترجمه شود؟ منظور، چنان‌که از محتوای این قسمت از متن هم برمی‌آید، ارائه بررسی مختصری از جامعه دربار و نه «درباری» است.

A Prospective Glance at the Sociogenesis of Absolutism;

ترجمه: نگاهی کوتاه به تکوین جامعه‌ی مطلقه‌گرایی؛

ترجمه پیش‌نهادی: چشم‌اندازی از جامعه‌پیدایی استبداد.

توضیح: مترجم صفت prospective را به معنای محتمل، بالقوه، و قریب‌الوقوع در ترکیب prospective glance در درس‌زایافته و تنها glance را به معنی نظری‌انداختن در حالت فعل و نگاه در حالت اسم ترجمه کرده است؛ درحالی‌که این ترکیب به معنی چشم‌انداز و دورنماست. این معنی با توجه به محتوای این بخش از کتاب هم درست است. «تکوین جامعه‌ی» معادلی درست برای sociogenesis نیست و کمی مصنوع و زیاده‌نام‌انوس است؛ پیش‌نهاد ما جامعه‌پیدایی و جامعه‌پیدایش است. absolutism در فلسفه به معنای مطلق‌باوری و مطلق‌انگاری و در سیاست به معنای استبداد، استبدادباوری، و استبدادخواهی است. با توجه به مضامین این بخش از کتاب، به نظر می‌رسد که منظور همان استبداد در معنای سیاسی اصطلاح باشد و نه «مطلقه‌گرایی» که ترکیبی درست هم نیست.

عنوان بعدی در فهرست ترجمه فارسی چنین است: «درباب سازوکارهای تکاملی جامعه در قرون وسطی»؛ چنین عنوانی در ترجمه انگلیسی و اصل آلمانی کتاب وجود ندارد.

Dynamics of Feudalization;

ترجمه: سازوکارهای فئودالیزه شدن؛

ترجمه پیش‌نهادی: پوی‌شناسی (نظام) فئودالی‌گری.

توضیح: ترجمه dynamics به «سازوکارها» اشتباه است؛ چه، اگر ترکیبات dynamic culture (فرهنگ پویا)، dynamic linguistics (پوی‌شناسی زبان)، و dynamic psychology (پوی‌شناسی روان) را پیش چشم آوریم و dynamics را در حالت اسم «علم» پوی‌شناسی ترجمه کنیم، یعنی علم پویندگی و نیرو(ها)ی پوی‌آفرین، آن‌گاه «دینامیسم» را به «سازوکار» برگرداندن زیاده‌باز و آزاد است. مترجم، جابه‌جا، بدون ملاحظه حالت دستوری این لغت، آن را به «سازوکار» برگردانده است. معادل پیش‌نهادی ما برای feudalization به جای «فئودالیزه شدن» فئودالی‌گری است.

Centralizing and Decentralizing Forces in the Medieval Power Figuration;

ترجمه: نیروهای جذب مرکز، و گریز از مرکز در دستگاه حکومتی قرون وسطی؛

ترجمه پیش‌نهادی: کانون‌مداری و کانون‌پراکنی نیروها در شکل‌دهی به قدرت قرون وسطایی.

توضیح: مترجم از ترجمه figuration گذشته، افزوده «دستگاه حکومتی» را آورده، صفت medieval را هم به «قرون وسطی» برگردانده است. «نیروهای جذب مرکز و گریز از مرکز» به نظر نامأنوس می‌آید؛ چه‌طور این نیروها در «دستگاه حکومتی» می‌توانند «جذب مرکز» و «گریز از مرکز» باشند؟ اصلاً کدام «مرکز»؟ کدام «دستگاه حکومتی»؟ منظور سهمی است کانون‌مدار و کانون‌پراکن که نیروها، نیروهایی که نویسنده در بخش مربوطه از آن‌ها سخن خواهد گفت، در شکل‌دهی به قدرت قرون وسطایی داشتند. درضمن، لغت medieval در این‌جا صفت است؛ این لغت تنها در ترکیب با centuries آن هم با حروف ابتدایی بزرگ، Medieval Centuries، یعنی قرون وسطی. مترجم از آن‌جا که این لغت در عنوان با حرف بزرگ ابتدایی آمده آن را به «قرون وسطی» برگردانده است که درست نیست.

Some Observations on the Sociogenesis of the Crusades;

ترجمه: بعضی تأملات درباب تکوین جامعوی جنگ‌های صلیبی؛

ترجمه پیش‌نهادی: تفاسیری از جامعه‌پیدایی جنگ‌های صلیبی.

توضیح: مترجم observations را به «تأملات» برگردانده است، حرف اضافه on را طبق معمول به «درباب» و sociogenesis را هم به «تکوین جامعوی» برگردانده است. observation

یعنی مشاهده‌گری و مشاهده و در این جا نکته و تفسیر است و وفق مباحث نویسنده در متن، تفاسیر، معادل درستِ observations است، و نه «تأملات». some در این جا نشانه نکره است و انتقال کارکرد این نشانه به زبان فارسی بهتر است با «ی» باشد و نه ترجمه آن به «بعضی»، «مقداری» یا «قدری». اصطلاح sociogenesis را هم چون psychogenesis (روان‌پیدایی) بهتر است به جامعه‌پیدایی ترجمه کنیم، و نه «تکوین جامعه‌ی».

The Internal Expansion of Society: The Formation of New Social Organs and Instruments;

ترجمه: بسط (توسعه) جامعه در درون، شکل‌گیری ابزارها و اندام‌های جدید اجتماعی؛ ترجمه پیش‌نهادی: قلمروافزایی داخلی جامعه: صورت‌بندی شاخه‌های اجرایی و دستگاه‌های اجتماعی جدید.

توضیح: expansion در این جا در حوزه سیاست به معنای قلمروافزایی است و نه «توسعه». این لغت در معنایی غیر از حوزه سیاست یا اعم از این حوزه معادل با گسترش و بالندگی است و نه «بسط». صفت internal در این جا چون ترکیب‌های internal backing (پشتوانه داخلی؛ در حوزه اقتصاد) و internal migration (مهاجرت داخلی) گسترش جامعه را از مرزهای داخل می‌رساند و نه از «درون». formation و figuration در متن الیاس جابه‌جا به کار نمی‌روند که ترجمه آن‌ها هم بی ملاحظه یک‌روندی (consistency)، جایی «صورت‌بندی» و «تکوین» و «شکل‌گیری» باشد و جایی دیگر «شکل‌دهی» و «فرم‌یابی» و «قالب‌بندی». بهتر است formation را به صورت‌بندی و figuration را هم حسب‌مورد به شکل‌دهی و شکل‌گیری برگردانیم. ترجمه social organs به «اندام‌های اجتماعی» زیاد اسپینری، زیست‌شناختی، و زیستمانی است. این ترکیب بهتر است به دستگاه‌های اجتماعی ترجمه شود. مسلم است که منظور الیاس گسترش داخلی دستگاه‌های اجتماعی است و نه «اندام‌های اجتماعی». ترجمه instruments به «ابزارها» درست نیست. این لغت در این جا به معنای بخشی از دستگاه‌های اجرایی داخلی جامعه یعنی شاخه‌های اجرایی است.

Some New Elements in the Structure of Medieval Society as Compared with Antiquity;

ترجمه: درباب بعضی عناصر جدید در ساخت جامعه قرون وسطایی، در مقایسه با جامعه عهد باستان؛

ترجمه پیش‌نهادی: مقایسه ارکانی جدید از ساختار جامعه قرون وسطایی با جهان باستان.

توضیح: مترجم، چنان که قبلاً هم بیان شد، در ترجمه به فارسی جابه‌جا عبارت‌گردانی (paraphrase) می‌کند. «درباب بعضی» حشو است و معادلی در جمله انگلیسی ندارد. element در این جا اشاره به بن‌مایه‌ای از ساختار اجتماعی دارد که بهتر است در حالت جمع به ارکان ترجمه شود. صفت medieval را مترجم در این جا درست دریافته و به «قرون وسطایی» ترجمه کرده است. در عهد باستان، آن گونه که از «جامعه» در قرون وسطی و بعد از آن سخن می‌گوییم، «جامعه» ای نمی‌یابیم. مقایسه «جامعه» عهد باستان با «جامعه» قرون وسطایی ممکن نیست! در ضمن، در جمله انگلیسی هم، حالا درست یا غلط، قبل یا بعد از society, antiquity نمی‌بینیم؛ «جامعه» عهد باستان افزوده مترجم است.

On the Sociogenesis of Feudalism;

ترجمه: درباب تکوین جامعه‌ی فئودالیسم؛

ترجمه پیش‌نهادی: جامعه‌پیدایی فئودالیسم.

On the Sociogenesis of Minnesang and Courtly Forms of Conduct;

ترجمه: درباب تکوین جامعه‌ی ادبیات تغزلی و آداب معاشرت درباری (جنگ‌جویان)؛

ترجمه پیش‌نهادی: جامعه‌پیدایی ادبیات تغزلی و آشکال درباری رفتار.

توضیح: مینزانگ (Minnesang) دوره‌ای از سنت ادبیات غنایی و شعر و ترانه حالت‌سرا در بازه زمانی قرن دوازدهم تا چهاردهم تاریخ ادبیات «آلمانی» است و مینزنگ (Minnesanger) کسانی هستند که شعر و ترانه‌های غنایی این سنت را می‌نوشتند و اجرا می‌کردند که به نظر به فارسی یا هر زبانی دیگر قابل ترجمه نیست؛ چه، بنابر تفاوت‌های عظیم تاریخی اجتماعی که متن الیاس یک‌سره صرف توضیح خصوصیات جامعه‌پیدایی آن شده، بهتر است این «اصطلاح» (کلمه‌ای که در میان طایفه‌ای از قوم معنای خاص قراردادی آنان دهد؛ لغت‌نامه دهخدا) را حرف‌نویسی (transliteration) کرد. این اصطلاح، هم‌چون دیگر اصطلاحات تاریخی بی‌شمار متن در ترجمه توضیحی ندارد. «آداب معاشرت» در برابر conduct ترجمه‌ای آزاد است که لزومی ندارد. forms ترجمه نشده و «جنگ‌جویان» ی که در پراگمتر آمده حشو است.

On the Sociogenesis of the State;

ترجمه: تکوین جامعه‌ی دولت؛

ترجمه پیش‌نهادی: جامعه‌پیدایی دولت.

The First Stage of the Rising Monarchy: Competition and Monopolization within a Territorial Framework;

ترجمه: اولین مرحله صعود و بالندگی دربار پادشاهی، مبارزات رقابتی، و شکل‌گیری انحصارات در محدوده یک قلمرو واحد؛

ترجمه پیش‌نهادی: مرحله اولیه برآمدن پادشاهی: رقابت و انحصارگری در چهارچوب سرزمینی.

توضیح: مرحله اولیه در برابر the first stage نسبت به «اولین مرحله» معادلی بهتر است. «صعود و بالندگی»، وقتی صحبت از برآمدن پادشاهی است، معادلی مناسب برای rise نیست؛ چه، پادشاهی‌ای که در مرحله اولیه رشد اجتماعی است چه‌طور «صعود» کرده و «بالندگی» یافته؟ «دربار» در ترکیب «دربار پادشاهی» حشو است و حتی رهن؛ این‌جا بحث از برآمدن پادشاهی است و نه لزوماً دربار پادشاهی، هرچند با رجوع به محتوای کتاب نشانی از جامعه‌پیدایی دربار می‌بینیم. «مبارزات رقابتی» و «شکل‌گیری انحصارات» در برابر competition و monopolization بهتر است از این حالت ترجمه زیاد آزاد و می‌توان گفت «زبان‌ویژه»، که بیش‌تر توصیفی است تا اصطلاحی و دقیق، درآید و به رقابت و انحصارگری برگردانده شود. مترجم framework را به «محدوده» برگردانده که گرچه اشتباه نیست، وقتی بحث از سرزمین است، معادل چهارچوب مناسب‌تر به نظر می‌رسد. منظور از سرزمین در این‌جا قلمروی باحدود و ثغور است.

On the Mechanism of Monopoly;

ترجمه: درباب سازوکارهای انحصار؛

ترجمه پیش‌نهادی: سازوکار انحصارگری.

توضیح: monopoly در این‌جا با همان کارکرد monopolization و درمقام بحث از جامعه‌پیدایی انحصار به‌کار رفته است و ترجمه درست آن انحصارگری است و نه «انحصار».

Early Struggles within the Framework of the Kingdom;

ترجمه: مبارزات رقابتی اولیه در چهارچوب قلمرو پادشاهی؛

ترجمه پیش‌نهادی: اولین درگیری‌ها در چهارچوب قلمرو پادشاهی.

The Resurgence of Centrifugal Tendencies: The Figuration of the Competing Princes;

ترجمه: تقویت مجدد گروه‌های گریز از مرکز: حلقه رقابت بین شاهزادگان؛

ترجمه پیش‌نهادی: بازخاستن گرایش‌های کانون‌گریز: شکل‌گیری شاهزادگان هم‌اورد.

توضیح: عبارت «گریز از مرکز» در برابر centrifugal، حالت دستوری این صفت و معنای آن را که در این جا بحث از مضامین تاریخی اجتماعی است نمی‌رساند. این صفت بهتر است به کانون‌گریز ترجمه شود. «تقویت مجدد» معادل دقیق resurgence نیست؛ چه، از این لغت لزوماً برآمدنی «قوی» برنمی‌آید. در عوض، بازخاستن و بازبرآمدن معادل‌های وفادار resurgence است. ترجمه tendencies به «گروه‌ها» وقتی در مباحث اجتماعی society (جامعه، انجمن) را در همین معنا به کار می‌برند، درست نیست. tendency را در این جا باید به گرایش برگرداند؛ گرایش‌های کانون‌گریز شاه‌زادگان از هسته قدرت. مترجم figuration را به «حلقه» برگردانده که نه تنها اشتباه بلکه نشانه‌ای است از عدم یک‌روندی در ترجمه. «حلقه» را معمولاً معادل با circle (دایره، جرگه، و انجمن) می‌گیرند و نه figuration، مخصوصاً در مباحثی از فرایند متمدن شدن! competing در این جا به معنای رقیب صفتی از شاه‌زادگان و در واقع روابط بین آنهاست و ترجمه آن به «رقابت» درست نیست.

The Last Stages of the Free Competitive Struggle and Establishment of the Final Monopoly of the Victor;

ترجمه: آخرین مرحله مبارزات رقابتی آزاد و انحصار قطعی برای فرد پیروز؛ ترجمه پیش‌نهادی: مراحل آخر زورآزمایی آزاد رقبا و برقراری انحصار قدرت نهایی فاتح. توضیح: صورت جمع stages به فارسی ترجمه نشده است. دقت یا بی‌دقتی در ترجمه چنین مواردی جزئی از ترجمه کاری سودمند یا زیان‌بار می‌سازد؛ چه، ممکن است آوردن صورت جمع یا مفرد اسمی عطف به مباحثی مهم در سطور پیش صورت گرفته باشد. بهتر است صفت «آزاد» را بعد از «زورآزمایی» آورد؛ یعنی تا قبل از انحصار قدرت در دست فاتح و در نتیجه منع و پی‌گرد متخاصمین، انگار فضایی از برای زدو خورد فراهم بوده است. به همین دلیل، ترکیب زورآزمایی آزاد رقبا به جای «مبارزات رقابتی آزاد» پیش‌نهاد شده است. مترجم establishment را به «قطعی» برگردانده است که درست نیست؛ چه، نمی‌دانیم آیا برقراری انحصار قدرت فاتح قطعی است یا نه. مترجم صفت final را از قلم ترجمه انداخته یا شاید در انتخاب صفت «قطعی» به‌عنوان معادلی برای establishment این صفت را هم «مکنیه» در نظر داشته است.

The Power Balance within the Unit of Rule: Its Significance for the Central Authority-The Formation of the "Royal Mechanism";

ترجمه: توزیع و موازنه قدرت در درون واحد حاکمیتی. اهمیت آن برای قدرت مرکزی. شکل‌گیری «سازوکارهای پادشاهی»؛

ترجمه پیش‌نهادی: هم‌ترازی قدرت در واحد فرمان‌روایی: اهمیت آن برای قدرت مرکزی - صورت‌بندی «سازوکارهای پادشاهی».

توضیح: ترجمه balance به «توزیع و موازنه» درست نیست؛ معادل این لغت در فارسی تراز، ترازمندی، هم‌ترازی، تعادل، و در مواردی جمع‌بندی است. balance یا power balance of power چون balance of terror (هم‌ترازی وحشت) و balance of trade (تراز بازرگانی) و balance of payment (تراز پرداخت‌ها) بهتر است به هم‌ترازی قدرت ترجمه شود. ترجمه within به «در درون» درست نیست؛ یکی از این دو «در» یا «درون» اضافه است. ترجمه rule به «حاکمیتی» درست نیست و احتمالاً خواننده ترجمه فارسی گمان به ترجمه governmental یا governorship می‌برد. در ضمن، حکومتی یا کشوردارانه صورت درست «حاکمیتی» در زبان فارسی است. rule در این جا معادل با فرمان‌روایی (نیز، دوران فرمان‌روایی) است و هم‌راه با ruler (فرمان‌روا، حکمران)، rule of law (قانون‌روایی، حکومت قانون) و ruling class (طبقه فرمان‌روا) در متن اصلی کتاب آمده است.

On the Sociogenesis of the Monopoly of Taxation;

ترجمه: تکوین جامعوی انحصار مالیات‌ها؛

ترجمه پیش‌نهادی: جامعه‌پیدایی انحصار مالیات‌بندی.

توضیح: از ترکیب نام‌نوس «تکوین جامعوی» در برابر sociogenesis گذشته، مترجم taxation را، که در این جا به فعالیت معمولاً حکومتی مالیات‌گزارانه اشاره دارد، به «مالیات‌ها»، آن هم به صورت جمع، برگردانده است که درست نیست.

Synopsis: Towards a Theory of Civilising Processes;

ترجمه: جمع‌بندی: طرح یک نظریه تمدن؛

ترجمه پیش‌نهادی: چکیده: نظریه‌ای درباره فرایندهای تمدن‌شدن.

توضیح: معادل synopsis در زبان فارسی و عربی چکیده، فشرده، خلاصه، مجمل، مُلَخَّص، و تلخیص است و در زبان انگلیسی، هم‌معنا با epitome (مظهر، مثل اعلی، و تجلی)، summary (خلاصه)، outline (طرح کلی، رئوس مطالب)، abstract (خلاصه، چکیده)، و digest (چکیده، فشرده) معادل «جمع‌بندی» زیاد آزاد است. رویه مترجم فارسی، که از ترجمه دقیق عبارات متنی کلاسیک دور است، ترجمه برحسب محتوا و منظور است و نه عین عبارات و اصطلاحات. گفتن ندارد که ترجمه‌ای چنین آزاد و رها از قید متنی کلاسیک، حتی اگر از عدم یک‌روندی برابری فارسی بگذریم، نمی‌تواند پایه و مایه فکری نویسنده را منتقل کند. نویسنده‌های کلاسیک هرکدام زبانی ویژه دارند. با این

نوع از ترجمه، زبان فارسی فی‌المثل الیاس، آدورنو، بوردیو، و گیدنز همه هم‌تراز و یک‌شکل از آب درمی‌آید. towards در ترجمه به فارسی از آن حروف اضافه دردرساز است! مترجم از ترجمه این حرف گذشته است. در این جا towards برابر با عبارت for the purpose of و به معنای به‌منظور، به‌خاطر، و برای است که می‌توان این حرف اضافه را تعبیر به «مطلوب چیزی یا کسی» کرد. منظور نظریه‌ای مطلوب درباره فرایند متمدن شدن است. مترجم processes را جا انداخته و آن را ترجمه نکرده است، غافل از این که هرچه الیاس در این کتاب گفته همه از «فرایند» است.

The Social Constraint towards Self-Constraint;

ترجمه: از الزام‌های اجتماعی تا خودالزامی؛

ترجمه پیش‌نهادی: از بازدارنده اجتماعی تا خودبازدارندگی.

توضیح: اسم constraint (محظور، قید، و محدودیت) بعد از صفت social در صورت مفرد آمده است. مترجم احتمالاً از آن‌جاکه این اسم بعد از صفت اجتماعی (جمع) آمده آن را در حالت جمع در نظر گرفته و به «الزام‌ها» برگردانده است. «الزام» بر آن وجه بیرونی فشار و قید و محدودیت و اجبار دلالت دارد؛ بهتر است وقتی منظور قید و محظور درونی یا وفق مباحث الیاس قید و اجبار درونی شده است، آن را به خودبازدارندگی ترجمه کرد. به این ترتیب، ترجمه مناسب self-constraint در بحث از فرایند متمدن شدن خودبازدارندگی است.

Spread of the Pressure for Foresight and Self-Constraint;

ترجمه: گسترش و بسط الزام به آینده‌نگری و خودالزامی؛

ترجمه پیش‌نهادی: گسترش فشار از برای پیش‌نگری و خودبازدارندگی.

توضیح: آوردن «بسط» بعد از «گسترش» حشو است. ترجمه pressure به «الزام»، درحالی که در همان سطر self-constraint را هم به «خودالزامی» ترجمه کرده، نشانه عدم توجه به از لفظ گذشته مضامین کتاب است. چنان‌که آمد، pressure این‌جا دیگر مُصرح بر قید و محدودیت و فشار بیرونی دلالت دارد و constraint در ترکیب self-constraint بر خودبازدارندگی.

Diminishing Contrasts, Increasing Varieties;

ترجمه: تقلیل تضادها، گسترش و تنوع میدان عمل؛

ترجمه پیش‌نهادی: کاهش دشمنی‌ها، افزایش امکانات.

توضیح: منظور از contrasts در این جا oppositions و وفق مباحث این بخش از کتاب دشمنی‌هاست. مترجم increase را به «گسترش و تنوع» برگردانده است و varieties را به «تنوع میدان عمل». به نظر می‌رسد، با ترجمه varieties به امکانات و برقراری نظامی مقارنه‌ای بین دو معادل کاهش و افزایش دیگر مشکل عبارت‌گردانی مترجم را نداریم.

The Courtization of the Warriors;

ترجمه: درباری‌شدن جنگ‌جویان (فارسان)؛

ترجمه پیش‌نهادی: تأدیب جنگ‌جویان.

توضیح: مترجم انگلیسی فرایند متمدن‌شدن با court در دو معنای دربار (نیز، درباریان) و ادب (نیز، تربیت، نزاکت) بازی‌ای دوگانه کرده است. وفق مضامین کتاب، با گسترش آداب درباری (court etiquette)، به واسطه حضور اشراف در جامعه و سرایت ناگزیر ادب درباری ایشان به لایه‌های بالایی جامعه و بعد دیگر لایه‌ها یا ورود جنگ‌جویان به دربار و تعلیم پاره‌ای از آداب حضور - جنگ‌جویان نیز آداب می‌آموزند و طبق رویه خودبازدارندگی آن آداب درونی‌شده را به کار می‌بندند. به این ترتیب، مترجم انگلیسی با استفاده از امکان ترکیب‌سازی courtization را ساخته که هم‌زمان حامل دو معنای پیش‌گفته است و در ترجمه به فارسی تنها می‌توان آن را به تأدیب برگرداند.

The Muting of Drives: Psychologization and Rationalization;

ترجمه: تعدیل سوانق، روان‌شناسی‌گرایی و عقلانی‌کردن؛

ترجمه پیش‌نهادی: تحول رانه‌ها: ذهنیت‌گری و منطقی‌گری.

توضیح: mute در این جا به معنای «ابدال» یا «جهش» زیست‌شناختی است؛ این که چه‌طور رانه‌ها با کنترل، چه به دلیل الزام بیرونی و چه بعدازآن طی فرایند خودبازدارندگی، چون «رانه» (محرک) فرایند خردپذیرگری و خردمندانه رفتارکردن عمل می‌کنند. به این ترتیب، ترجمه mute به «تعدیل» درست نیست و باید آن را به تحول یا ابدال برگرداند. psychology علاوه بر «روان‌شناسی» به معنای روان و ذهنیت نیز آمده و مترجم فارسی آن را به اشتباه به «روان‌شناسی‌گرایی» ترجمه کرده است؛ ترکیبی نامأنوس که معلوم نیست «روان‌شناسی» کجای فرایند روان‌پیدایی (psychogenesis) افراد حین فرایند متمدن‌شدن جای دارد! مترجم «عقلانی‌کردن» را با rationalization برابر گرفته است که درست نیست؛ این اصطلاح تخصصی فلسفی جامعه‌شناختی را باید به عقلی‌گری، منطقی‌گری، دلیل‌آوری، توجیه، به‌سازی، و ایجاد توازن ترجمه کرد.

Increasing Constraints on the Upper Class: Increasing Pressure from Below;

ترجمه: محدودیت بیش تر برای قشر برتر. تشدید فشار قشر پایین به سمت بالا و بالندگی آن؛

ترجمه پیش نهادی: افزایش بازدارنده‌ها بر طبقه بالا(تر): فشار فزاینده از پایین. توضیح: مترجم هرآنچه سخت می‌یابد، فوراً عبارت‌گردانی می‌کند و در این بازگذاری متن تخصصی انگلیسی به فارسی هرآنچه اصطلاح و ترم فلسفی و جامعه‌شناختی است، به‌هدر می‌رود. مترجم constraints را که قبلاً به «الزام‌ها» برگردانده، در این جا به «محدودیت» برگردانده و به صورت جمع این لغت هم توجهی نکرده است. ترجمه class به «قشر» آن هم در متنی جامعه‌شناختی درست نیست. مترجم جابه‌جا class و state را به «قشر» و «طبقات» برگردانده است. گفتن ندارد که strata را باید به قشرها و stratification را به لایه‌بندی ترجمه کرد؛ چنان‌که ترجمه درست class، طبقه و state - در متن و زمینه مباحث تاریخی جامعه‌شناختی الیاس مَلّاک و دولت و حکومت (government) و کشور و ایالت است. ترجمه below به «قشر پایین» درست نیست. معلوم نیست عبارت «به‌سمت بالا و بالندگی آن» ترجمه کدام بخش از جمله و به چه دلیل است؟

۳. نتیجه‌گیری

بدیهی است که بررسی مقابله‌ای چهارصد صفحه ترجمه در این مجال ممکن نیست. از این رو، تا آن‌جا که در توان بود، به بررسی ترجمه مفاهیم و اصطلاحات کلیدی متن پرداختیم. در نتیجه، اگر این بررسی را مظنه‌ای از آنچه در سایر بخش‌های ترجمه هم می‌آید بگیریم، آن‌گاه باید فکری به حال ترجمه *فرایند متمدن شدن* به زبان فارسی کرد. هرچند، نه بر سبیل چنین نتیجه‌گیری‌هایی، بلکه تحقیقاً درست در هر صفحه از ترجمه فارسی می‌توان ترجمه‌ای خوب و منظم خواند و به مترجم آفرین گفت. مترجم در آن بخش‌ها که به ترجمه‌ای معنامحور پرداخته موفق بوده است؛ ترجمه‌ای که با گوش سپردن به آهنگ جمله‌ها از کلیت متن و به فارسی درآوردن مفهوم کلی متن غافل نمی‌ماند؛ نوعی دیالکتیک کل و جزء در ترجمه.

باری، ترجمه فارسی *فرایند متمدن شدن* برپایه معیارهایی چون یک‌روندی ترجمه، نحوه واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، قواعد صوری و کیفیت چاپ، نیز روش مترجم در ترجمه ایراد اساسی پرشمار دارد. در مجموع، تلاش مترجم برای به‌دست‌دادن ترجمه‌ای هم‌سنگ با

اثری کلاسیک موفق نبوده است. آنچه از خطاهای ترجمه در محدوده این نوشته برشمردیم نشان می‌دهد که ترجمه به بازمینی و ویرایش و در مواردی ترجمه دوباره نیاز دارد. یک‌روندی ترجمه، آن هم در ترجمه متنی کلاسیک، موضوعی نیست که به‌سادگی برگزار شود. اگر می‌خواهیم از بزرگ‌ترین اثر یکی از برترین اذهان جامعه‌شناسی نسخه‌ای به فارسی داشته باشیم، ترجمه فعلی نیاز به بازننگری جدی دارد. امیدواریم همراه با رفع خطاهای ترجمه و ویرایش دوباره فرایند متمدن شدن جلد اول، دیباچه، پی‌نوشت، پیوست، و یادداشت‌های کتاب هم به فارسی ترجمه شود تا شاهد ترجمه‌ای کامل از این کتاب کتابستان باشیم.

کتاب‌نامه

- ادگار، اندرو و پیتر سجویک (۱۳۸۹)، *متفکران برجسته نظریه فرهنگی*، ترجمه مسعود خیرخواه، تهران: آگه.
- الیاس، نوربرت (۱۳۹۷)، *در باب فرایند تمدن، بررسی‌هایی در تکوین جامعه‌شناختی و روان‌شناختی آن*، ترجمه غلامرضا خدیوی، تهران: جامعه‌شناسان.
- بلانشو، موریس، پل دومان، و جودیت باتلر (۱۳۹۳)، *لذت خیانت*، ترجمه نصرالله مرادیانی، تهران: بیدگل.
- هنیش، ناتالی (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی نوربرت الیاس*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر نی.

- Bod, Rens (2013), *A New History of the Humanities, The Search for Principles and Patterns from Antiquity to the Present*, United Kingdom: Oxford.
- Dechaux, J. H. (1995), "Sur le Concept de Configuration: Quelques Failles dans la Sociologie de Norbert Elias", *Cahiers Internationaux de Sociologie*, no. 99.
- Delanty, G. and E. F. Isin (2003), *Handbook of Historical Sociology*, London: Sage Publication.
- Depelteau, F. and T. Savoia (2013), *Norbert Elias and Social Theory*, United States: Palgrave Macmillan.
- Depelteau, Francois (2018), *The Palgrave Handbook of Relational Sociology*, Canada: Laurentian University.
- Dolezal, Luna (2015), *The Body and Shame, Phenomenology, Feminism, and the Socially Shaped Body*, Lanham: Lexington Books.
- Dubet, F. (1994), *Sociologie de l'Experience*, Paris: Seuil.
- Dunning, E. and S. Mennell (2003), *Norbert Elias*, London: Sage Publications, 4 Vols.
- Elias, Norbert (1985), *The Loneliness of Dying*, Oxford: Basil Blackwell.
- Elias, Norbert (1991), *The Society of Individuals*, Oxford: Basil Blackwell.

- Elias, Norbert (1991), *The Symbol Theory*, London: Sage.
- Elias, Norbert (1992), *Time: An Essay*, Oxford: Basil Blackwell.
- Elias, Norbert (2000), *The Civilising Process, Sociogenetic and Psychogenetic Investigations*, Edmund Jephcott (trans.), Oxford: Blackwell Publishing.
- Elias, N. and E. Dunning (1986), *Quest for Excitement: Sport and Leisure in the Civilizing Process*, Oxford: Basil Blackwell.
- Goody, J. (2003), "The 'Civilizing Process' in Ghana", *European Journal of Sociology*, no. 44.
- Goudsblom, Johan (1977), *Sociology in the Balance*, Oxford: Blackwell.
- Gouldsblom, J. and S. Mennell (1998), *The Norbert Elias Reader, A Biographical*.
- Kilminster, Richard (2007), *Norbert Elias, Post-Philosophical Sociology*, Abingdon: Routledge.
- Korte, Hermann (2017), *On Norbert Elias, Becoming a Human Scientist*, Stefanie Affeldt (trans.), Munster: Springer.
- Lepenes, Wolf (1978), "Norbert Elias: An Outsider Full of Unprejudiced Insight", *New German Critique*, vol. 15.
- Mennell, S. (1992), *Norbert Elias: An Introduction*, Dublin: University College Dublin Press.
- Mouzelis, N. (1993), "On Figurational Sociology", *Theory, Culture, and Society*, no. 10.
- Ritzer, G. and J. Stepnisky (2011), *The Wiley-Blackwell Companion to Major Social Theorists*, Blackwell Publishing.

